

# دکتر رابرت ای. پترسون، روح القدس و اتحاد با مسیح، جلسه ۱۹، اتحاد با مسیح و داستان کتاب مقدس: ابدیت گذشته، خلقت، سقوط، تجسم کار مسیح و خلقت جدید

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۱۹، اتحاد با مسیح و داستان کتاب مقدس: ابدیت گذشته، خلقت، سقوط، تجسم، کار مسیح و خلقت جدید است.

ما آماده‌ایم تا درباره اتحاد با مسیح و داستان کتاب مقدس صحبت کنیم. ما پایه و اساس اتحاد با مسیح را در عهد عتیق، انجیل‌های هم‌نوا و کتاب اعمال رسولان بنا نهاده‌ایم. سپس اتحاد با مسیح را در انجیل یوحنا بررسی کردیم و سپس، طی سخنرانی‌های متعدد، اتحاد با مسیح را در پولس، که تاج این آموزه است، بررسی کردیم.

وقت آن است که کمی به عقب برگردیم و به کل داستان کتاب مقدس و آنچه در مورد اتحاد با مسیح می‌آموزد، نگاهی بیندازیم. من فقط به طور خلاصه سرفصل‌ها را می‌خوانم، زیرا در سخنرانی قبلی کمی با آنها سر و کار داشتم. اتحاد و ابدیت، اتحاد و خلقت، اتحاد و سقوط، اتحاد و تجسم، اتحاد و کار نجات‌بخش مسیح و اتحاد و خلقت جدید.

اتحاد و ابدیت گذشته. همانطور که دیدیم، دو متن از پولس تعلیم می‌دهد که خدا قوم خود را پیش از خلقت برای نجات برگزید. افسسیان ۱:۳ و ۴، متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را در مسیح به هر برکت روحانی در جای‌های آسمانی مبارک ساخته است، چنانکه ما را پیش از بنیاد جهان در او برگزید تا در حضور او مقدس و بی‌عیب باشیم.

و سپس دوم تیموتائوس ۱:۸ و ۹: از شهادت درباره خداوند ما و نه از من که زندانی او هستم، شرمنده مباش، بلکه در رنج کشیدن برای انجیل شریک باش به قدرت خدا، که ما را نجات داد و به دعوتی مقدس فراخواند نه به خاطر اعمال ما، بلکه به خاطر هدف و فیض خود که پیش از آغاز اعصار در مسیح عیسی به ما عطا کرد. دوم تیموتائوس ۱:۸ و ۹. در متن اول، پولس تعلیم می‌دهد که پیش از خلقت، خدا با هدف تقدیس نهایی، نجات گناهکاران را برگزید. در دومی، رسول با اشاره به قدرت خدا، تیموتائوس را تشویق می‌کند که در میان رنج‌ها از نظر روحانی شجاع باشد.

خدا ما را نجات می‌دهد و ما را به تقدیس حاضر فرا می‌خواند. ما نه به واسطه اعمالمان، بلکه به واسطه هدف، نقشه و فیض خدا نجات می‌یابیم؛ لطف او در برابر شایستگی ما. و مشابه آنچه پولس در افسسیان گفت، این فیض، نقل قول از او، قبل از آغاز اعصار، به معنای واقعی کلمه قبل از اعصار ابدی، به ما ۱:۴ عطا شده است.

دوم تیموتائوس ۱: ۹. جالب است که در دو قسمتی که پولس تعلیم می‌دهد که گزینش الهی ابدی بوده است، او همچنین تعلیم می‌دهد که این گزینش در مسیح نیز بوده است، همانطور که ما را پیش از بنیان جهان در خود برگزید، افسسیان ۱:۴. خدا ما را نجات داد، نه به خاطر اعمال ما، بلکه به خاطر هدف و فیض خود، که پیش از آغاز اعصار در مسیح عیسی به ما عطا کرد. چگونه باید این دو کاربرد غیرمعمول عبارت رابچ پولس «در مسیح، را درک کنیم؟ حداقل سه رویکرد برای درک کلمات «خدا ما را پیش از بنیان جهان در او برگزید»

وجود دارد. رویکرد اول توسط محققان آرمینیوسی مطرح شده است، که من برای آنها احترام زیادی قائلم و آنها را به عنوان برادران در مسیح می‌پذیرم، کسانی که در مسیح به عنوان نشان دهنده شرطی برای نجات که مردم باید برآورده کنند، درک می‌کنند.

جک کاترل این رویکرد را اتخاذ می‌کند. خداوند از پیش می‌داند که آیا یک فرد شرط رستگاری را که او به طور مطلق مقرر کرده است، برآورده خواهد کرد یا خیر. شرط اساسی و فراگیر این است که آیا فرد در مسیح است یا خیر، یعنی آیا فرد وارد اتحاد نجات‌بخش با مسیح شده است که به وسیله آن در تمام مزایای کار رهایی‌بخش مسیح سهیم می‌شود یا خیر.

این مفهوم افسسیان ۱:۴ است که می‌گوید او ما را در خود، در مسیح، برگزید. رویکرد دوم، که توسط آرمینیوسی‌ها نیز استفاده می‌شود، این است که سخنان پولس را به این معنا بفهمیم که خدا در درجه اول مسیح را برگزید و در درجه دوم انسان‌ها را برای نجات برگزید؛ یعنی کسانی را که از قبل می‌دانست به مسیح ایمان خواهند آورد. جری والز و جوزف دی‌آنجلو این رویکرد را اتخاذ می‌کنند.

خود عیسی مسیح، برگزیده و از پیش مقدر شده است. هرگاه کسی از طریق ایمان و به واسطه فیض الهی در او ادغام شود، در جایگاه ویژه عیسی به عنوان برگزیده خدا سهیم می‌شود. این دیدگاه در مورد گزینش باید به طور کامل، و به کامل‌ترین شکل، ماهیت گزینش جمعی، نقش تعیین‌کننده ایمان و اعتبار فراگیر رساندن مردم به مقصد نهایی‌شان توسط خدا را در نظر بگیرد.

انتخاب مشروط جک کاترل در کتابی به نام «گریس نامحدود» به ویرایش کلارک پینوک آمده است. جری والز و جوزف دی‌آنجلو کتاب «چرا من یک کالوینیست نیستم» را نوشتند و باید اضافه کنم که من و همکار سابقم مایکل ویلیامز کتابی در همین زمینه با عنوان «چرا من یک آرمینیست نیستم» نوشتیم. ما با هم بحث نمی‌کنیم و در واقع با هم رفتار بسیار خوبی داریم.

این روش واقعاً خوب است. اما اگر می‌خواهید دیدگاه‌های مختلف را بشناسید، مثلاً «چرا من یک کالوینیست نیستم» نوشته‌ی والز و دی‌آنجلو، و «چرا من یک آرمینیست نیستم» نوشته‌ی پترسون و ویلیامز، انتشارات اینتروارسیتی، اگر این کار را انجام دهید، تصویر کلی را خواهید گرفت. قبل از معرفی رویکرد سوم، دو رویکرد اول را نقد خواهیم کرد.

دیدگاه اول اشتباه است زیرا وقتی پولس می‌نویسد که او ما را در خود پیش از بنیان جهان برگزید، به شرطی که گناهکاران باید برای برگزیده شدن توسط خدا داشته باشند، اشاره نمی‌کند. سخنان پولس از هیچ واکنش انسانی سخنی نمی‌گوید. آنها از نقشه حاکمانه خدا سخن می‌گویند. کاترل و دیگر مؤمنان آرمینیایی، ایمان پیش‌بینی‌شده را در سخنان رسولان تفسیر می‌کنند تا دیدگاه خود را در مورد گزینش مشروط با سخنان پولس هماهنگ سازند.

علاوه بر این، رویکرد دوم نیز با تفسیر ایده‌ها از پولس شکست می‌خورد. خدا مسیح را به عنوان نجات‌دهنده الهی-انسانی برگزید، اما این نکته مورد نظر پولس در افسسیان ۱ نیست. در عوض، پولس تعلیم می‌دهد که خدا ما را در او برگزید. آیه ۴ از نقش تعیین‌کننده ایمان سخن نمی‌گوید.

آنها از این متن این ایده را برداشت می‌کنند که «هرگاه کسی از طریق ایمان و به واسطه فیض در او ادغام شود، در جایگاه ویژه عیسی به عنوان برگزیده خدا شریک می‌شود.» در عوض، این متن بر نقش تعیین‌کننده حاکمیت و فیض خدا تأکید می‌کند. من رویکرد سومی را نسبت به سخنان پولس در افسسیان ۱:۳ و ۴ اتخاذ می‌کنم. همانطور که قبلاً دیدیم، رسول مرتباً از کلمات «در مسیح»، «در او» و مترادف‌ها برای اشاره به اتحاد با مسیح استفاده می‌کند.

استفاده‌ی معمول پولس از عبارت «در مسیح» که به اتحاد با او اشاره دارد، چه تفاوتی با استفاده‌ی او از آن در زمینه‌ی برگزیدگی پیش از زمان دارد؟ تفاوت، زمانی است. پولس تقریباً همیشه از افرادی صحبت می‌کند که در تاریخ به مسیح پیوسته‌اند. اما در افسسیان ۱:۴ و دوم تیموتائوس ۱:۹، او از برگزیدگی برای مسیح در مسیح صحبت می‌کند.

او از برگزیدگی در مسیح پیش از خلقت سخن می‌گوید. در این دو جا، «در مسیح» به اتحاد واقعی اشاره نمی‌کند زیرا ما پیش از خلقت وجود نداشتیم. بلکه پولس از نقشه‌ی حاکمانه‌ی خدا برای اتحاد ما با مسیح سخن می‌گوید.

بنابراین، وقتی پولس می‌نویسد که ما را پیش از بنیان جهان در خود برگزید، منظورش این است که پیش از آفرینش، خدا از روی اراده و عشق خود، هم قوم خود را برگزید و هم وسیله‌ای برای نجات آنها فراهم کرد. او نقشه کشید تا آنها را به اتحاد معنوی با پسرش و تمام مزایای معنوی‌اش برساند. دوم تیموتائوس ۱:۹، در مورد دوم تیموتائوس ۱:۹ نیز همین‌طور است. ما نه به خاطر اعمالمان، بلکه به خاطر هدف و فیض خود او از گناهانمان رهایی یافته‌ایم.

توجه داشته باشید که این متن، انتخاب قوم خود توسط خدا را منوط به واکنش انسان‌ها به انجیل نمی‌کند. این متن به صراحت انکار می‌کند که تلاش‌های ما می‌تواند ما را نجات دهد و در عوض بر خدا تمرکز می‌کند. خدایی که به دلیل هدف و فیض خود، یعنی اراده و شفقت مطلق خود، رستگاری را عطا می‌کند. وقتی پولس می‌گوید که فیض در مسیح عیسی پیش از آغاز اعصار به ما عطا شده است، منظورش این است که انتخاب مهربانانه خدا از ما در ابدیت، شامل نقشه او برای پیوستن ما به پسرش است تا ما رستگاری را تجربه کنیم.

به دلیل نقشه‌ی حاکمانه و پر از لطف خدا، فیض نجات بخش بی‌شک شامل قوم برگزیده‌ی خدا می‌شد. این دو متن می‌آموزند که اتحاد، چیزی نبود که از جانب خدا در اولویت قرار گیرد. شگفت‌آور اینکه، حتی انتخاب گناهکاران قبل از خلقت، شامل اتحاد با مسیح نیز می‌شد.

وقتی خدا گناهکاران را برای نجات برگزید، تصمیم گرفت آنها را با مسیح متحد کند تا نجات را تجربه کنند. یعنی، او قصد داشت پسر خود را در تجسم بفرستد تا زندگی بدون گناهی داشته باشد، بمیرد، برخیزد و روح را در پنطیکاست بریزد. روح، نجاتی را که عیسی با پیوستن معنوی ما به مسیح به دست آورد، اعمال خواهد کرد.

بنابراین، پدر ما را در مسیح برگزید و پیش از آغاز اعصار، در مسیح عیسی به ما فیض بخشید. اتحاد و خلقت، اتحاد با مسیح، که از ازل برنامه‌ریزی شده بود، در زمان اتفاق می‌افتد. روح القدس به طور مؤثر گناهکاران مؤمن را با مسیح در نجات گرد هم می‌آورد.

او به واسطه فیض و از طریق ایمان، آنها را به پسر خدا می‌پیوندد. اما حرکت فوری از گزینش به ایمان به مسیح، به اتحاد ایمانی با او، به معنای پرش از سه مرحله اساسی در داستان است. با بازگشت به عقب. پنطیکاست، تجسم و آفریده شدن بشر به تصویر خدا، همگی پیش‌شرط‌های لازم برای اتحاد با مسیح هستند.

اولاً، ریختن روح القدس توسط مسیح در روز پنطیکاست برای اتحاد گناهکاران با مسیح توسط روح القدس ضروری بود.

ثانیاً، تجسم پسر ابدی، یکی شدن او با ما در انسانیتان، برای تحقق نجات ما، از جمله مرگ، رستاخیز و

اعطای روح القدس، ضروری بود. همچنین برای ایجاد برادری بین او و ما ضروری است تا بتوانیم از نظر معنوی به او بییونندیم.

سوم، خلقت انسان به صورت و شباهت خدا، که سازگاری بین ما و او را برقرار کرد، برای پیوستن ما به مسیح، ضروری بود. این شغل فعلی ماست. بنابراین، ما می‌گوییم سه مرحله بعدی در داستان عبارتند از خلقت، تجسم و پنطیکاست.

بباید آنها را یکی یکی بررسی کنیم. تصویر خدا. اتحاد با مسیح بر اساس خلقت ویژه انسان توسط خدا بنا شده است.

اگرچه ما به عنوان مخلوقات، از جهات مهمی با خدا متفاوت هستیم، اما به عنوان حاملان تصویر او، مانند او هستیم. رابرت لتهام مختصر و مفید می‌گوید. نقل قول: اتحاد با مسیح بر اساس خلقت مرد و زن برای سازگاری با خدا استوار است.

نقل قول پایانی. لتهام، *اتحاد با مسیح در کتاب مقدس، تاریخ و الهیات*. این نتیجه‌ی شبیه خدا شدن ماست.

در کتاب پیدایش آمده است که خدا فرمود: «انسان را به صورت خود و شبیه خود بسازیم. و او بر ماهیان دریا، پرندگان آسمان، چارپایان، تمام زمین و هر خزنده‌ای که بر زمین می‌خزد، حکومت کند.» بنابراین، خدا انسان را به صورت خود آفرید.

او را به صورت مرد و زن آفرید، ایشان را آفرید. پیدایش ۱:۲۶، ۲۷. تصویر خدا در مردان و زنان به عنوان مخلوقات خدا، امری مبهم است.

به نظر می‌رسد عناصر زیادی در این امر دخیل هستند، از جمله ساختار وجودی ما، نقش‌های ما و ظرفیت ما برای روابط. این آخرین عنصر است که اکنون ما را نگران می‌کند. با نقل قولی دوباره از لیم، از آنجا که انسان‌ها به تصویر خدا آفریده شده‌اند، برای ارتباط با خدا ساخته شده‌اند تا از طرف او بر خلقت خدا حکومت کنند.

نقل قول نزدیک. خدا ما را برای خود و در رفاقت با خود آفرید. آدم و حوا نه به عنوان گناهکار و نه به عنوان موجوداتی بی‌گناه، که خوب یا بد نیست، بلکه به عنوان موجوداتی مقدس در رفاقت با خدای مقدس آفریده شدند.

برای درک این نکته که خدا ما را با خود و برای رفاقت با خود سازگار آفریده است، مهم است که تفاوت‌های عظیم بین خدا و ما را برجسته کنیم. اشعیا ۴۰:۲۲. اوست که بر فراز دایره زمین نشسته است و ساکنان آن مانند ملخ هستند.

اشعیا ۴۰:۲۲. و سپس ۲۸. خداوند، خدای جاودان، آفریننده‌ی کرانه‌های زمین است.

اشعیا ۵۷:۱۵. او آن کسی است که والا و بلندمرتبه است، که در ابدیت ساکن است، و نامش مقدس است. اشعیا ۵۷:۱۵.

در مقایسه با او، به نقل از همه ملت‌ها، هیچ چیز در برابر او نیست. او آنها را از هیچ، پوچ و تهی می‌داند (اشعیا ۴۰:۱۷)

بارها و بارها، خداوند می‌گوید، من خداوند هستم، دیگری نیست. اشعیا ۴۵: ۵، ۶، ۱۸، و بسیاری دیگر به طرز شگفت‌آوری، اگرچه چنین شکاف بزرگی بین خدای بزرگ و ما وجود دارد، او ما را به تصویر خود آفریده است.

و بنابراین، ما از جهات مهمی مانند او هستیم. فیلیپ هیوز در کتاب خود، تصویر واقعی، منشأ و سرنوشت انسان در مسیح، توضیح می‌دهد. نقل قول، دانش اینکه وجود خدا اساساً و ازلی شخصی است، در واقع لحظه خاصی برای موضوع ماست.

خداوند با آفرینش انسان، موجودی شخصی خلق کرد که به شیوه‌ای غیرممکن برای سایر موجودات زنده، قادر به معاشرت شخصی با خالق خود و پاسخ شخصی به او است. این واقعیت که انسان یک شخص است بزرگ، توانایی او را در تعامل P، کوچک، از یک شخص p، بزرگ، انسان یک شخص است P، از یک شخص بزرگ توضیح می‌دهد. مسیح، تصویر واقعی P به عنوان یک شخص با

شاید برخی از دیدن اینکه حتی گزینش ابدی خدا شامل مسیح نیز می‌شود، شگفت‌زده شدند. ما در او برگزیده شدیم و در او فیض یافته‌ایم. اما جای تعجب نیست که هنگام تأمل در مورد بشریت به عنوان آفریده شده به تصویر خدا، توجه خود را به مسیح، تصویر واقعی خدا، معطوف می‌کنیم.

زیرا پولس می‌گوید که مسیح صورت خداست، دوم قرن‌تیاں ۴:۴. صورت خدای نادیده، کولسیان ۱:۱۵. در واقع، مسیح به عنوان صورت خدا، پلی بین انسان‌هایی که به شباهت خدا آفریده شده‌اند و تجسم مسیح ایجاد می‌کند. مسیح به عنوان صورت به ما کمک می‌کند تا نوع بشر را به عنوان حاملان صورت درک کنیم.

بگذارید آنها توضیح دهند. پیدایش بیان می‌کند که مرد و همسرش به صورت خدا آفریده شده‌اند. تصویر خدا برای ما یکسان است، شناسایی شده است.

تصویر خدا از کتاب پیدایش برای ما در عهد جدید مشخص شده است. پولس خاطر نشان می‌کند که مسیح تصویر خداست. دوم قرن‌تیاں ۴:۴، کولسیان ۱:۱۵.

در اندیشه پولس، مسیح به عنوان آدم دوم، تصویر خداست. آدم در مسیح آفریده شد و سپس از آن وضعیت سقوط کرد. اما اکنون، در فیض، ما در تصویر خدا، در مسیح، آدم دوم، و در نتیجه در دانش عدالت و تقدس، در حال تجدید شدن هستیم.

تصویر خدا در نوع بشر، ما را هم زیر نظر خدا و هم بالاتر از سایر مخلوقات قرار می‌دهد و در عین حال، با احترام، ما را با خود خدا سازگار می‌کند. اینکه مسیح تصویر واقعی خداست، به این معنی است که ما در ابتدا مانند مسیح آفریده شده‌ایم، همانطور که هیوز توضیح می‌دهد. تنها انسان است که پیوندهایی دارد که هم به سمت پایین در جهانی که بر آن قرار گرفته است و هم به سمت بالا به سوی خالق، که پروردگار همه موجودات است، امتداد می‌یابد.

حقیقتی که در پس این پیوند دوگانه نهفته است، اولاً این است که انسان مخلوق خداست.

ثانیاً، تنها انسان از میان مخلوقات خدا به صورت خدا شکل گرفته است.

ثالثاً، پسر ابدی، صورتی است که انسان مطابق با آن شکل گرفته است.

بنابراین، پیوند عمیق و صمیمانه‌ای که انسان را به شخص دوم الوهیت پیوند می‌دهد، جزئی جدایی‌ناپذیر از وجود انسان است. سازگاری ما با خدا، به این دلیل که ما به تصویر پسرش آفریده شده‌ایم، به ما کمک می‌کند تا تجسم پسر ابدی را درک کنیم. پس از بررسی اتحاد با مسیح و سقوط، به این موضوع باز خواهیم گشت.

کتاب مقدس نتایج بسیار متفاوتی از سقوط والدین اولیه ما در گناه را فهرست می‌کند، از جمله گناه، که پادزهر آن عادل شمردگی است، و محکومیت، که پادزهر آن یکی است. فساد، که پادزهر آن تقدیس تدریجی است، یا حتی بهتر، تقدیس در تمام ابعاد آن، اولیه، تدریجی و نهایی. رنج، روابط از هم پاشیده، اسارت بیگانگی از خدا، اسارتی که پادزهر آن رستگاری است، بیگانگی از خدا، که پادزهر آن آشتی است، و بی‌نظمی، که پادزهر آن نظمی است که آدم دوم به ارمغان آورد.

دوباره این کار را می‌کنم، اما در مورد پادزهرها صحبت نمی‌کنم. کتاب مقدس بسیاری از نتایج سقوط را فهرست می‌کند، از جمله گناه و محکومیت، فساد، رنج، روابط از هم پاشیده، اسارت، بیگانگی از خدا و بی‌نظمی. حتی خود خلقت نیز دچار نقص شده است، زیرا خدا به دلیل گناه آدم، زمین را نفرین کرد.

پیدایش ۱۷:۳ و ۱۸. به طرز شگفت‌انگیزی، خدا، به لطف خود، هر یک از آن نتایج سقوط را از طریق کار مسیح لغو می‌کند. نتیجه سقوط که به بهترین وجه نیاز بشر به اتحاد با مسیح را نشان می‌دهد، به وضوح در افسسیان ۲ آمده است. به یاد داشته باشید که زمانی، شما غیریهودیان در جسم، ختنه نشده نامیده می‌شوید، به وسیله آنچه ختنه نامیده می‌شود، که در جسم و به دست انجام می‌شود.

به یاد داشته باشید که در آن زمان، شما از مسیح جدا، از کشور اسرائیل بیگانه، و با پیمان‌های وعده بیگانه، بی‌امید و بی‌خدا در جهان بودید. افسسیان ۲:۱۱ تا ۱۲، که قبلاً به آن پرداخته‌ایم. پولس وضعیت وحشتناک خوانندگان غیریهودی خود و همه افراد نجات نیافته را قبل از آمدن به مسیح توصیف می‌کند.

با انجام این کار، او به روشنی بیان می‌کند که چرا انسان‌های گمشده باید از نظر معنوی به مسیح بپیوندند، زیرا از مسیح جدا شده‌اند - آیه ۱۲. تیلن با نقل قول از تفسیر فرانک تیلن بر افسسیان، توضیح می‌دهد که چرا پولس این را در صدر فهرست پنج نقص غیریهودیان قرار می‌دهد.

این مهمترین مورد در لیست است: جدایی از مسیح. همانطور که موقعیت آن نشان می‌دهد، در صدر لیست قرار دارد، خارج از دو بیتی که برای بیان چهار مشکل دیگر استفاده شده‌اند. اگر هر نعمت معنوی ۴:۱ تا ۱۳ فقط برای کسانی که در مسیح هستند، ۳:۱، در دسترس است، و اگر نجات از مخمصه هولناکی که در ۲:۱ تا به تفصیل آمده است، فقط برای کسانی که در مسیح هستند، ۵:۲ تا ۶، حاصل می‌شود، پس بیرون بودن ۳ از مسیح مشکل درجه یک، یعنی جدایی از مسیح را ایجاد می‌کند.

نیاز ما به اتحاد با مسیح این است که ما از او جدا شده‌ایم. در ریشه خود، اتحاد یک مفهوم مکانی است که برای انتقال حقایق رابطه‌ای استفاده می‌شود. گویی مسیح آنجاست و از تمام برکات رستگاری، از جمله بخشش گناهان و حیات ابدی، برخوردار است و ما اینجا هستیم، جدا از او.

ما از شخص او و تمام آن مزایا جدا شده‌ایم. تنها زمانی که روح القدس این شکاف را پر می‌کند و ما را با نجات‌دهنده متحد می‌سازد، نجات را تجربه می‌کنیم. تا آن زمان، ما خارج از مسیح هستیم و بنابراین، هیچ امیدی نداریم و در جهان بدون خدا هستیم، افسسیان ۲:۱۲. پولس در ادامه به توصیف راه حل مشکل ما می‌پردازد.

اکنون در مسیح عیسی، افسسیان ۲:۱۳، شما که زمانی دور بودید، به وسیله خون مسیح نزدیک شده‌اید. راه چاره برای جدایی از مسیح، اتحاد با اوست، نزدیک شدن به وسیله خون او، پیوستن به خانواده خدا و عضویت در معبد معنوی او. پیش از این، خدا تصمیم گرفت ما را با اتحاد با مسیح نجات دهد.

در طول زمان، او ما را به تصویر خود، مانند خود، و برای مشارکت با او آفرید. در واقع، او ما را به تصویر پدرش، تصویر واقعی خدا، آفرید. اما ما علیه والدین اولیه خود شورش کردیم و در نتیجه، از مسیح جدا شدیم.

اگرچه خدا می‌توانست از ما دست بکشد، اما این کار را نکرد. او در قالب تجسم پدرش به سوی ما آمد. فیلیپ هیوز به طرز مفیدی مسیح را به عنوان تصویر خدا به تجسم او ربط می‌دهد.

نقل قول، آموزه تصویر خدا، کلید واقعیت تجسم است، و نه کمتر از آن، کلید درک ماهیت واقعی انسان مشکلی که از محدودیت وجود و افق ما ناشی می‌شود این است که چگونه خدا می‌تواند به چیزی که نیست، تبدیل شود؟ چگونه خدا می‌تواند با مخلوقات خود به منظور احیای همه چیز یکی شود؟ پاسخ به این مشکل، در خطی است که انسان را به شخص دوم تثلیث مقدس متصل می‌کند، که تصویر، من کوچک، را به تصویر من بزرگ پیوند می‌دهد، یعنی تصویر خدا در مرکز وجود انسان به تصویری که خدا، پدر، پسر الوهیت و بشریت خداست. پسر ابدی با یکی شدن با ما در تجسم، از پسر ابدی بودن دست نمی‌کشد.

او پس از تجسم نیز همچنان خدا باقی می‌ماند. بنابراین، ما به الوهیت پسر مجسم اعتراف می‌کنیم. این بسیار مهم است، زیرا فقط خدا می‌تواند ما را نجات دهد.

با این حال، تجسم ضروری است، زیرا فقط خدا-انسان می‌تواند ما را نجات دهد. با این حال، تجسم ضروری است زیرا فقط خدا-انسان می‌تواند ما را نجات دهد. او باید یکی از ما می‌شد تا برای ما بمیرد، دشمن ما را شکست دهد و همانطور که عبرانیان تأکید می‌کند، ما را نجات دهد.

نقل قول، از آنجایی که فرزندان در جسم و خون شریک هستند، خود او نیز به همین ترتیب در همان چیزها شریک شد، تا از طریق مرگ، کسی را که قدرت مرگ را دارد، یعنی شیطان، نابود کند و همه کسانی را که از ترس مرگ در بندگی مادام‌العمر بودند، رهایی بخشد، عبرانیان 2:14 و 15. تجسم پسر و اتحاد با او. علاوه بر این، تجسم برای وقوع اتحاد با مسیح نیز ضروری است، همانطور که لتام توضیح می‌دهد، نقل قول، اساس اتحاد ما با مسیح، اتحاد مسیح با ما در تجسم است.

ما می‌توانیم با او یکی شویم زیرا او ابتدا با ما یکی شد. پسر خدا با در بر گرفتن طبیعت انسانی در اتحاد شخصی خود را به بشریت پیوند داده است. او اکنون دارای جسم و روحی انسانی است که هرگز آنها را رها نخواهد کرد.

هم یوحنا، کلمه جسم شد و در میان ما ساکن شد، و ما جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر، پر از فیض و راستی، یوحنا ۱:۱۴. و پولس، بارها و بارها، تجسم پسر خدا را تعلیم می‌دهد. فیلیپیان ۲:۵ تا ۸، این طرز فکر را در میان خود داشته باشید، طرز فکری که در مسیح عیسی نیز دارید، کسی که اگرچه در صورت خدا بود، برابری با خدا را غنیمت نشمرد، بلکه خود را خالی کرد و صورت یک غلام را پذیرفت و در شباهت آدمیان متولد شد.

و چون در قالب انسان یافت شد، با مطیع شدن تا پای مرگ، حتی مرگ بر روی صلیب، خود را فروتن ساخت، فیلیپیان ۲: ۵ تا ۸. پولس نیز مانند یوحنا، تجسم را بخش اساسی از مأموریت مسیح می‌داند، از جمله ریختن روح برای ایجاد اتحاد با مسیح. در واقع، تأکید بیش از حد بر اهمیت تجسم هنگام صحبت از

اتحاد با مسیح دشوار است. تجسم به خودی خود ما را با مسیح متحد نمی‌کند، اما پیش‌شرط اساسی برای اتحاد است.

لِئِم وقتی می‌گوید، نقل قول، اتحاد مسیح با ما در تجسم، پایه و اساس اتحاد ما با اوست، چه اکنون و چه در آینده ابدی، نقل قول بسته، مختصر و مفید است. گام بعدی در درک آموزه کتاب مقدس در مورد اتحاد با مسیح، شامل دستاوردهای نجات‌بخش عیسی، از جمله کاری است که او در پنطیکاست انجام داد. ارتباط بین تجسم و پنطیکاست توسط لِئِم ترسیم شده است.

نقل قول، مسیح خود را کاملاً با ما یکی کرده است. او با ما یکی است. او برای همیشه طبیعت ما را به اتحاد شخصی درآورد.

تجسم، اساس ضروری برای اتحاد با مسیح است. از آنجایی که مسیح در تجسم خود را با ما متحد کرده است، ما می‌توانیم توسط روح القدس با او متحد شویم. پسر خدا تنها واسطه در جهان است و او همه چیز را از تبدیل شدن به یکی از ما گرفته تا آمدن دوباره، که هنوز انجام نداده است، برای نجات ما انجام داد.

قلب و روح یک عمل نجات‌بخش، مرگ او به جای گناهکاران و برخاستن او در روز سوم برای پیروزی است، آیا تجسم مسیح به خودی خود نجات‌بخش است؟ پاسخ منفی است. همانطور که در جلد قبلی نوشته‌ام، وقتی پسر ابدی خدا انسان می‌شود، نجات به طور خودکار به بشر نمی‌رسد.

اما آیا تجسم مسیح به عنوان پیش‌شرط اصلی اعمال نجات‌بخشی که در پی آن می‌آیند، نجات‌بخش است؟ پاسخ مثبت است. فقط یک نجات‌دهنده الهی-انسانی می‌توانست این کار را انجام دهد. اگر پسر انسان نمی‌شد، نمی‌توانست زندگی انسانی بی‌گناهی داشته باشد، بمیرد و دوباره برای نجات قوم خود قیام کند.

او نمی‌توانست به آسمان صعود کند، در دست راست خدا بنشیند، روح القدس را نازل کند، برای ما شفاعت کند، و نمی‌توانست دوباره بیاید. برای انجام این کارهای نجات‌بخش، او باید یکی از ما می‌شد. از این نظر مهم، تجسم مسیح به عنوان پیش‌نیاز اساسی مرگ و رستاخیز او، نجات‌بخش است.

این از کتاب من، *نجات به دست پسر*، کار مسیح است. پنطیکاست. دستاورد نجات‌بخش مسیح چه ارتباطی با اتحاد با او دارد؟ نکته کلیدی در اینجا پنطیکاست است.

زیرا نزول روح در پنطیکاست، اتحاد ایمانی با مسیح را ممکن می‌سازد. پنطیکاست به همان اندازه که مصلوب شدن و رستاخیز مسیح است، عمل نجات‌بخش او نیز هست. وقتی به پنطیکاست فکر می‌کنیم، به درستی به روح القدس فکر می‌کنیم.

اما مهم است بدانیم که مسیح کسی بود که روح القدس را در پنطیکاست نازل کرد. پنطیکاست تحقق پیشگویی یحیی تعمید دهنده است. یحیی گفت: من شما را با آب برای توبه تعمید می‌دهم، اما کسی که پس از من می‌آید از من تواناتر است و من لایق برداشتن کفش‌هایش نیستم.

او شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد، متی ۱۱: ۳. همچنین در مرقس، لوقا و یوحنا آمده است. و این تحقق سخنان عیسی در اعمال رسولان ۱ است. در تحقق سخنان عیسی، تحقق پیشگویی یحیی تعمید دهنده نیز وجود دارد. در متی ۱۱: ۳، مرقس ۱: ۷ و ۸، لوقا ۱۶: ۳، یوحنا ۱: ۳۲ تا ۳۴.

لوقا در حالی که با آنها بود، نوشت که به آنها دستور داده است که از اورشلیم خارج نشوند، بلکه منتظر وعده پدر باشند، وعده‌ای که به آنها گفته بود از من شنیده‌اید. زیرا یحیی با آب تعمید می‌داد، اما شما چند

روز دیگر با روح القدس تعمید خواهید یافت. بنابراین، عیسی در اعمال رسولان ۴:۱ و ۵ عمداً به پیشگویی یحیی تعمید دهنده اشاره می‌کند.

پنطیکاست به همان اندازه که مرگ بر صلیب و رستاخیز از مردگان، کار عیسی مسیح است، کار او نیز هست. این روز نیز به اندازه آن کارها منحصر به فرد و تکرارناپذیر است. این یک رویداد بی‌نظیر است که در آن خداوند عیسی برخاسته و عروج یافته، کلیسای خود را یک بار برای همیشه با روح القدس تعمید می‌دهد و با این عمل، کارهای بزرگی را به انجام می‌رساند.

پنطیکاست یک رویداد عمومی است که در آن مسیح عهد جدید را اعلام می‌کند، خلقت جدید را آغاز می‌کند و روح را به جامعه جدید می‌بخشد. این آخرین مورد از این موارد است که در حال حاضر به ما مربوط می‌شود. روحی که مسیح در پنطیکاست بر کلیسا ریخت، همان روحی است که ما را به مسیح می‌پیوندد.

بنابراین، پنطیکاست، فرستادن روح القدس است که اتحاد ایمانی با مسیح را ممکن می‌سازد، همانطور که لیتیم تأیید می‌کند. نقل قول: پسر ابدی مسیح، که طبیعت انسانی را در خود متحد کرده است، اکنون ما را توسط روح القدس با خود متحد می‌کند، زیرا روح ما را با ایمان به سوی خود جذب می‌کند. این یک اتحاد شخصی نیست، زیرا روح ما را با ایمان به سوی خود جذب می‌کند.

آن اتحاد شخصی که در تجسم پسر خدا دیدیم کاملاً منحصر به فرد است. ما ابدی نمی‌شویم و خدا نمی‌شویم. در این مورد، روح القدس وارد می‌شود، در وجود انسان‌های بی‌شماری ساکن می‌شود، آنها را اشباع می‌کند و در آنها نفوذ می‌کند و آنها را به اتحاد با مسیح پسر می‌آورد.

بنابراین، ما برای آخرین مرحله آماده‌ایم. ما اتحاد و ابدیت گذشته، اتحاد و خلقت، اتحاد در سقوط، اتحاد در تجسم و اتحاد در کار مسیح، به ویژه در ریختن روح در پنطیکاست، را دیده‌ایم، اکنون اتحاد و خلقت جدید را می‌بینیم. هدف اتحاد با مسیح چیزی کمتر از نجات نهایی قوم خدا و رهایی آسمان و زمین نیست.

خود خلقت نیز مشمول لعنت هبوط شد. پس از گناه آدم، خدا به او فرمود: «زمین به خاطر تو ملعون شد؛ تو تمام روزهای زندگیت با رنج از آن خواهی خورد و خار و خس برای تو خواهد رویاند» (پیدایش ۳:۱۷ و ۱۸)

کتاب مقدس همچنین نجات کیهان، آمدن آسمانی جدید و زمینی جدید را پیشگویی می‌کند. اشعیا ۱۷:۶۵ تا متی ۲۸:۱۹، رومیان ۸:۲۰ تا ۲۲:۲، دوم پطرس ۱:۱۰ تا ۳:۱۳، یک بار ۲۳، ۶۶:۲۲، ۲۵، دیگر، اشعیا ۱۷:۶۵ تا ۲۵، اشعیا ۶۶:۲۲، ۲۳، متی ۱۹:۲۸، رومیان ۸:۲۰ تا ۲۲، دوم پطرس ۱:۱۰ تا ۱۳، و مکاشفه فصل‌های ۲۱ و ۲۲.

در نقشه خدا، کار مسیح درمان بیماری خلقت است. مرگ و رستاخیز مسیح در اینجا اثرات کیهانی دارد. نقل قول: خدا از طریق مسیح خشنود شد که همه چیز را با خود آشتی دهد، چه چیزهایی که بر روی زمین هستند و چه چیزهایی که در آسمانند، و با خون صلیب خود صلح برقرار کرد.

کولسیان ۱:۱۹ و ۲۰. دستاورد نجات‌بخش مسیح نه تنها انسان‌ها، بلکه جهان را نجات می‌دهد. رومیان ۸:۲۰ تا ۲۲، خلقت نه به خواست خود، بلکه به خاطر او که آن را مطیع خود ساخت، دستخوش بطالت ۸:۲۰ شد.

به این امید که خود خلقت نیز از قید فساد رهایی یابد و در آزادی جلال فرزندان خدا شریک شود. زیرا می‌دانیم که تمام خلقت تاکنون از درد زایمان با هم ناله می‌کنند. رومیان ۸:۲۰ تا ۲۲

نکته قابل توجه این است که پولس تعلیم می‌دهد که خداوند در نهایت همه چیز را در مسیح متحد خواهد کرد، که باز هم قبلاً دیده‌ایم. اکنون، آن را در چارچوب الهیات کتاب مقدسی اتحاد با مسیح قرار می‌دهیم. افسسیان ۱: ۷ تا ۱۰.

در او، در مسیح، ما از طریق خون او رستگاری یافته‌ایم، بخشش گناهانمان، بر اساس غنای فیض او، که آن را با کمال حکمت و بصیرت به ما ارزانی داشته است، و راز اراده خود را بر ما آشکار ساخته است، بر اساس هدف خود، که آن را در مسیح به عنوان طرحی برای کمال زمان مقرر کرد تا همه چیز را، چه در آسمان و چه در زمین، در او متحد سازد. افسسیان ۱: ۷ تا ۱۰. پولس مرزهای زمان و مکان را گسترش می‌دهد، زمانی که پس از صحبت از مرگ خشونت‌آمیز و رهایی بخش مسیح، یعنی خون او، می‌گوید که خدا راز اراده خود را آشکار کرد تا در مسیح به عنوان طرحی برای کمال زمان مقرر کند تا همه چیز را در او متحد سازد.

این یکی از چندین باری است که پولس در مسیح برای نشان دادن مستقیم اتحاد مسیح استفاده می‌کند. مؤمنان با مسیح متحد خواهند شد. اتحاد با مسیح، به کارگیری روح از مرگ و رستاخیز مسیح، بنابراین در نهایت اثرات کیهانی دارد.

مکاشفه ۲۲:۳ بسیار مختصر و مفید است. نقل قول، دیگر هیچ چیز ملعون نخواهد بود. مکاشفه ۲۲:۳. و البته، اتحاد همچنین اثرات شگفت‌انگیزی برای مردمی دارد که خدا برای خود آفرید، کسانی که علیه او شورش کردند، کسانی که پسر مجسم برایشان مرد و برخاست، و کسانی که روح در کار نجات بخش عیسی به آنها مربوط می‌شود.

در واقع، پولس می‌گوید که تک تک ایمانداران از قبل بخشی از خلقت جدید هستند. نقل قول: اگر کسی در مسیح باشد، خلقت جدیدی است. خلقت قدیمی از بین رفته است.

اینک، چیز تازه‌ای فرا رسیده است. همه اینها از جانب خداست که به واسطه مسیح ما را با خود آشتی داده است. دوم قرن‌تیا ۵: ۱۷ و ۱۸.

یکی از برکات پیوند ایمانی با مسیح، سکونت الهی در اوست. در واقع، همانطور که دیده‌ایم، سکونت، پیوند مداوم و زنده با مسیح است. خداوند وقتی ما را با پسرش متحد می‌کند، به ما روح می‌بخشد.

و آن روح نه تنها ما را با مسیح متحد می‌کند، بلکه او می‌آید تا در ما ساکن شود. این روح است که ما را با مسیح متحد می‌کند، و در واقع، تثلیث، اما به ویژه روحی که در ما ساکن است. به دلیل عشق عظیم خدا به ما در مسیح، او با لطف به ما اجازه داده است که در رویدادهای نجات پسرش شرکت کنیم.

همانطور که دیدیم، بخشی از معنای اتحاد با مسیح، مشارکت در داستان اوست. پولس در کولسیان به تنهایی تعلیم می‌دهد که با مسیح مردید، ۲:۲۰. شما با مسیح برخیزانیده شده‌اید، ۳:۱. شما مرده‌اید و زندگی شما با مسیح در خدا پنهان است، آیه ۳. وقتی مسیح، که زندگی شماست، ظاهر شود، شما نیز با او در جلال ظاهر خواهید شد، آیه ۴. بنابراین، نتیجه نهایی اتحاد با مسیح در خلقت جدید، رستاخیز و رستگاری نهایی انسان‌ها و احیای نهایی آسمان‌ها و زمین است. من نتیجه‌گیری این مطالعه در مورد اتحاد با مسیح در سراسر داستان کتاب مقدس را خواندم.

این بررسی ما از اتحاد با مسیح در داستان کتاب مقدس را تکمیل می‌کند. نقشه ابدی خدای پدر برای نجات قومش شامل برنامه‌ریزی برای پیوستن معنوی آنها به پسرش بود. او انسان را به تصویر خود برای مشارکت با خود آفرید.

این بدان معناست که او آنها را به شباهت تصویر واقعی، یعنی پسرش، آفرید. با این حال، در سقوط، آنها علیه خوبی او شورش کردند و از خدا و مسیح جدا شدند. پسر در تجسم خود به یک انسان تبدیل شد.

او یکی از ما شد تا ما بتوانیم از طریق فیض و ایمان به انجیل با او متحد شویم. تجسم، عیسی را قادر ساخت تا زندگی بدون گناهی داشته باشد، بمیرد و قیام کند و کار نجات را به انجام برساند. پس از عروج، عیسی روح القدس خود را بر کلیسا ریخت و بدین ترتیب مؤمنان را به مسیح پیوند داد.

این پیوند روح، که به عنوان اتحاد ایمانی با مسیح شناخته می‌شود، فردی و جمعی، حاضر و دائمی، قطعی و رو به رشد، از قبل و نه هنوز است. هنگامی که عیسی بازگردد، اتحاد کامل و تمام عیار خواهد بود زیرا قوم رستاخیز یافته خدا برای همیشه در زمین جدید با تثلیث مقدس زندگی خواهند کرد. به خواست خدا، در سخنرانی بعدی خود، به الهیات سیستماتیک اتحاد با مسیح خواهیم پرداخت.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۱۹، اتحاد با مسیح و داستان کتاب مقدس: ابدیت گذشته، خلقت، سقوط، تجسم، کار مسیح و خلقت جدید است.